

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۳

خاتم شاهی و قدرت ازلی: کیفیت تأثیر شاه عباس اول در وضعیت اجتماعی و سیاسی مسجد جامع اصفهان

احسان کاخانی* فاطمه گلدار**

چکیده

شاه عباس اول مانند بسیاری از پادشاهان دیگر، توجهی خاص به مساجد جامع داشت. وی پس از انتخاب اصفهان به پایتختی، سعی در مرمت بازار و مسجد قدیم داشت که با مخالفت زمین‌داران آن زمان مواجه شد. سپس، تصمیم به احداث میدان نقش جهان گرفت و مسجد جامع عباسی را به‌عنوان مسجد جامع جدید شهر، برپا ساخت. در این مقاله، دو مؤلفه اصلی مشخصه مساجد جامع، نماز جمعه و اعتکاف، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و هدف مقاله، شناخت وضعیت مسجد جامع عتیق، به‌لحاظ اجتماعی و سیاسی، پس از احداث مسجد شاه است. روش این مقاله، تفسیری-تاریخی بوده و از منابع نوشتاری درجه اول و دوم برای حصول نتیجه استفاده شده است. نماز جمعه به کمک فتوای علمای برجسته شیعه در دوره صفویه احیا و اولین نماز، در مسجد جامع عتیق اصفهان برگزار شد. شاه عباس، پس از اتمام ساخت مسجد شاه، نماز جمعه را از جامع عتیق به مسجد شاه منتقل کرد و این مسجد در دوره‌های پس از او نیز محل اصلی اقامه نماز جمعه شد. بحث بر سر جواز برگزاری اعتکاف نیز در همین دوره، موجب کشمکش بسیاری میان فقها بود. علمای هم‌عصر شاه عباس درباره اعتکاف فتوایی صادر کردند که به موجب آن، در مساجد دیگری چون مسجد شیخ لطف‌الله، مراسم اعتکاف برگزار می‌شد. به این سبب، اعتکاف نیز در انحصار مسجد جامع عتیق نماند. شاه عباس اول با انگیزه اقتصادی و تلاش برای رونق بخشیدن به کانون جدید خود در شهر اصفهان، میدان نقش جهان و مسجد شاه را برپا ساخت و برای مقابله با رقبای این کانون، میدان کهنه و مسجد جامع عتیق، کوشید. نتیجه این کوشش او آن بود که مسجد جامع عتیق در سایه مسجد شاه قرار گرفت و فعالیت‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی مخصوص مساجد جامع مانند؛ نماز جمعه و اعتکاف، از این مسجد به جامع عباسی انتقال یافتند.

کلیدواژه‌ها: مسجد جامع عتیق اصفهان، مسجد شاه اصفهان، نماز جمعه، اعتکاف، شاه عباس اول

مقدمه

مساجد جامع، از مهم‌ترین فضاهای آیینی و اجتماعی در جهان اسلام به‌شمار می‌رفته و در هر دوره، بهترین و عالی‌ترین طرح‌ها و تزئینات معماری، مختص این مساجد بوده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۶۴). پس از ظهور اسلام، مسلمانان، مساجد بزرگی را به نام "مسجد جامع" یا "مسجد جمعه" بنا می‌کردند که وجه تمایز میان شهر و روستا تلقی می‌شده است (حبیبی، ۱۳۷۸: ۴۲). موقعیت جغرافیایی مساجد جامع و حضور مستمر اقشار مختلف مردم در آنها و امکان برقراری ارتباط میان ایشان، این مساجد را به مکان‌هایی مهم در شهرهای اسلامی بدل ساخته است (مصدقی امینی، ۱۳۷۹: ۲۲۳).

مساجد جامع در تاریخ ایران، تحت تأثیر مستقیم سلاطین و صاحبان قدرت بوده‌اند؛ به‌خصوص در مورد مساجد جامع شهرهای پایتخت، که نظارت مستقیم شخص پادشاه بر آنها معطوف بوده، چنین امری بیشتر صادق است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۲۰۶). این اهمیت، به کارکردهای گوناگون مساجد جامع و نقش آنها در امور اجتماعی و سیاسی حکومت‌ها بازمی‌گردد که از جمله آن، می‌توان به برگزاری مراسم عبادی و سیاسی گوناگونی مانند؛ نماز جمعه و جشن‌های مختلف سال و اعلان‌های عمومی حکومتی به مردم، اشاره کرد. همچنین، در برخی دوره‌ها رسم بر این بوده است که خطبه سلطنت پادشاهان و اولین سخنرانی آنها، در مساجد جامع پایتخت برگزار شود (نصیری و نصیری مقدم، ۱۳۷۳: ۲۱).

مطابق منابع تاریخی، سابقه ساخت مساجد جامع، به صدر اسلام بازمی‌گردد که خلیفه دوم طبق بخشنامه‌ای، از کارگزاران خود در سرزمین‌های اسلامی خواست که مسجدی مخصوص نماز جمعه بسازند (مصدقی امینی، ۱۳۷۹: ۲۲۳). توجه پادشاهان و امرای هر دوره به مسجد جامع شهر نیز سبب شد که این مساجد، ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی بیابند؛ به‌نحوی که تاریخ مسجد جامع هر شهر، گویای تاریخ صغیر آن شهر است (گلمبک، ۱۳۸۶: ۹۹).

یکی از کهن‌ترین مساجد جامع ایران - که به‌نظر برخی مورخین، زمان ساخت آن به صدر اسلام بازمی‌گردد - مسجد جامع عتیق اصفهان^۲ است. این مسجد در طول تاریخ، مورد نظر حکومت‌های مختلف بوده است؛ به‌نحوی که می‌توان آثاری از دوران آل بویه تا قاجار را در آن مشاهده کرد. قرارگیری مسجد در شهر اصفهان و پایتختی آن در دوران مختلف تاریخ ایران سبب شده است صاحبان قدرت نیز توجه ویژه‌ای به مسجد و سیاق آن نمایند (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

این مقاله، به بررسی وضعیت مسجد جامع عتیق، از منظر سیاسی و اجتماعی، در دوره شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۷۸ ق.) و تصمیم و عملی ساختن او برای احداث میدان نقش جهان و مسجد جامع عباسی (مسجد شاه)^۳ می‌پردازد. به این ترتیب، پرسش پژوهش چنین است؛ انگیزه شاه عباس برای ساخت مسجد جامع جدید در اصفهان چه بود و این اقدام، در وضعیت سیاسی و اجتماعی مسجد جامع عتیق چه تأثیری داشت؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع عباسی منتشر شده‌اند. دو دسته از این پژوهش‌ها، پیشینه این تحقیق محسوب می‌شوند؛ دسته اول، پژوهش‌هایی بوده که به بررسی تطبیقی مساجد پرداخته و دسته دوم، پژوهش‌هایی که به هر یک از این دو مسجد، خصوصاً سیاق تاریخی، سیاسی و اجتماعی آنها اختصاص دارند. از جمله پژوهش‌های دسته اول، می‌توان به مقاله مهرگان و محمدی بیدسردره (۱۳۹۴) با عنوان "بررسی تطبیقی مسجد شاه اصفهان و مسجد وکیل شیراز" اشاره کرد. در این مقاله، نویسندگان، به بررسی تطبیقی دو مسجد شاه اصفهان و مسجد وکیل شیراز از منظر عناصر توصیف‌کننده سبک اصفهان پرداخته‌اند. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که سبک اصفهان و فاخر مسجد شاه اصفهان، متأثر از خواسته‌های شاه عباس اول و سبک مردم‌وارتر مسجد وکیل، محصول نگاه مردم‌وار کریم خان بوده است.

در زمره پژوهش‌های دسته دوم، می‌توان به مقاله دی مک چسنی (۱۳۸۵) با نام "چهار منبع درباره ساخته‌های شاه عباس در اصفهان" اشاره کرد. این مقاله، به بررسی چهار منبع درجه اول از دوره صفویه اختصاص دارد که درباره ساخته‌های شاه عباس اول در اصفهان است. این چهار منبع عبارت هستند از؛ نقاوه‌الآثار، تاریخ عباسی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، روضه‌الصفویه. از تحلیل و مقایسه این متن‌ها و نیز قیاس آنها با اسناد و وقف‌نامه‌ها و یافته‌های باستان‌شناختی، اطلاعاتی درباره زمان ساخت میدان نقش جهان و انگیزه‌های شاه عباس در احداث مسجد شاه به‌دست آمده که در مقاله حاضر نیز مورد استناد واقع شده‌اند.

اسماعیلی و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، به بررسی کارکردهای مختلف مساجد در عصر صفویه پرداخته‌اند. در عصر صفویه، کثرت بناهای مذهبی و فرهنگی، از جمله مساجد، نشان از نوعی مدیریت دینی دارد که از عوامل تثبیت قدرت و بقای آن است. همراهی فقها با دولت در این زمینه سبب

می‌شد مساجد در این دوره، کارکردی حکومتی یافته و بخشی از مدیریت رفتارهای اجتماعی را بر عهده گیرند. دو عامل اعتکاف و نماز جمعه در این مقاله به‌منزله عوامل مقوم مساجد، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

از نوشته جناب‌دین چنین برمی‌آید که قصد اولیه شاه برای انتخاب مرکز اصلی شهر جدید خود، متفاوت با تصمیمی است که بعداً و در دوره دوم برنامه‌های خود اتخاذ کرد. گویا شاه عباس در ابتدا قصد داشته بازارهای واقع در میدان کهنه را به‌همراه کاروانسراها و حمام قدیم اصفهان نوسازی کند، اما با مخالفت مالکان قدرتمند مستغلات بازار کهنه مواجه شده است. همین مخالفت، عزم شاه را برای توسعه تجاری میدان نقش جهان، به‌منزله رقیب و جانشین میدان کهنه، جزم کرد. دو نفر از مخالفانی که در برابر این تصمیم شاه عباس ایستادگی کرده، میرزا محمد امین نقیب اصفهان و میرقطب‌الدین محمد نام دارند (جناب‌دین، ۱۳۷۸: ۷۵۹).

میرزا محمد امین نقیب اصفهان، فرزند میرغیاث‌الدین محمد میرمیران و مالک اراضی و مستغلات اصفهان بود. میرغیاث‌الدین در دوره شاه طهماسب، منصب نقیب‌النقبا و سپس صدر داشت و این خانواده، از حرمت بسیاری نزد شاه عباس برخوردار بودند (دی مک چسنی، ۱۳۸۵: ۶۰). میرقطب‌الدین نیز برادرزاده شجاع‌الدین محمود و از اشخاص صاحب نفوذ اصفهان تلقی می‌شد. در «روضه‌الصفویه»، انگیزه این دو شخص برای مخالفت با شاه عباس، تصور نادرست آنها در سعی شاه برای تصرف مستغلات ایشان ذکر شده است (جناب‌دین، ۱۳۷۸: ۷۵۹).

قابل حدس است که مخالفت ایشان، از موضع منافع تجاری خانواده‌های آنها است. این دو شخص، مظهر منافع مشترک طبقات مرفه اصفهان و در ارتباط نزدیک با رجال دینی بودند و قدرت آنها به‌حدی بود که شاه عباس پس از یک بار مخالفت آنها، دست از نقشه خود کشید. ساختن حجره‌ها و تسهیلات مربوط به آن، در میدان نقش جهان، احتمالاً از ۱۰۱۰ ق. آغاز شد (دی مک چسنی، ۱۳۸۵: ۶۱) و منجم یزدی، ۲۷ جمادی‌الآخر سال ۱۰۱۱ ق. را زمان نقل مکان کسبه و دیگر بازاریان از بازار کهنه به بازار نو ذکر می‌کند. می‌توان این تاریخ را زمان افتتاح رسمی میدان شاه به‌منزله مرکز تجاری در تقابل با رقیب خود، هارون ولایت، به حساب آورد (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۳۶ و ۲۳۷).

در اوایل سده یازدهم، میدان شاه بر لبه جنوب غربی شهر واقع و از منطقه مرکزی کسب و کار شهر دور بود. هر تلاشی برای آوردن تاجران و محترفان از بازار هارون ولایت به میدان شاه بایست با کوشش‌هایی برای افزایش تردد از طریق میدان همراه می‌شد. کانون بازار کهنه، مسجد جمعه بود؛ مسجد

می‌شد مساجد در این دوره، کارکردی حکومتی یافته و بخشی از مدیریت رفتارهای اجتماعی را بر عهده گیرند. دو عامل اعتکاف و نماز جمعه در این مقاله به‌منزله عوامل مقوم مساجد، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

راز نهان و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای، به بررسی نقش عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مذهب شیعه در ساختار شهرهای صفویه پرداخته‌اند. آنچه از این مقاله برمی‌آید، تأثیر مهمی است که مذهب در شکل‌گیری ساختار شهر دارد. دولت صفویه با تکیه بر مذهب، عواملی را پدید آورد که شهر این دوره را به نوعی امتزاج و آمیختگی سیاسی - عقیدتی تبدیل کرد. به این ترتیب، مذهب، عاملی وحدت‌بخش در عناصر شهری محسوب می‌شد.

علاوه بر پژوهش‌های یادشده، تحقیقات متعددی درباره مسجد جامع و مسجد شاه اصفهان منتشر شده که تا کنون بیش از همه، به کالبد و سیر تحول فضا و تزئینات و موارد مربوط به صورت آن پرداخته‌اند. این مقاله در تلاش است وجهی دیگر از حیات این دو مسجد را در سیاق آنها روایت کند و جایگاه آن دو را در جامعه، هم‌زمان با حکومت شاه عباس در دوره صفویه، روشن سازد.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله، تفسیری - تاریخی بوده و از منابع درجه اول و دوم برای حصول نتایج استفاده شده است. همچنین، منابع مختلف فقهی و تاریخی از دوره صفویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای پاسخ به پرسش مقاله، ابتدا به انگیزه‌ها و علل موجود در منابع برای این اقدام شاه عباس پرداخته شده و سپس با استفاده از دو عامل نماز جمعه و اعتکاف، که به‌زعم بسیاری از علمای شیعه فقط در مسجد جامع باید برگزار شود، وضعیت سیاسی و اجتماعی مسجد جامع عتیق در قیاس با مسجد جامع عباسی مورد بررسی قرار گرفته است.

تصمیم شاه عباس برای احداث میدان نقش جهان و مسجد شاه

شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۷۸ ق.) در سال دهم سلطنت خویش (۱۰۰۶ ق.)، پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد. او در ساختن اصفهان جدید، دو برنامه را با فاصله زمانی از یکدیگر در نظر داشت؛ برنامه اول او با انتخاب اصفهان به پایتختی آغاز شد و تا سال ۱۰۱۹ ق. ادامه یافت. از جمله اقدامات او در این دوره، ساخت محوطه میدان نقش جهان است. برنامه دوم که مرحله شکوه اصفهان تلقی می‌شود، از

جامع بزرگی که اصل آن به زمان سلجوقیان بازمی‌گشت. طبیعی بود که شاه عباس می‌کوشید مشابه آن کانون را در محدوده میدان نو پدید آورد. نشانیدن مسجد در انتهای جنوبی میدان در نقطه‌ای که اصفهانیان را وادارد که دو بار از محدوده بازار نو بگذرند، یک بار برای رسیدن به مسجد و بار دیگر هنگام خروج از آن، می‌توانست بسیار مناسب باشد. این طرح مسلماً بخشی از طرح کلی بود که شاه به صراحت آن را بیان می‌کرد و آن، رساندن میدان شاه به حدی بود که بر هارون ولایت پیشی بگیرد و به مرکز اصلی کسب و کار در شهر تبدیل گردد (دی مک چسنی، ۱۳۸۵: ۶۴).

چنین برمی‌آید که شاه عباس میدان نقش جهان را، دست کم از دوره‌ای به بعد، به جهت تضعیف میدان کهنه سامان داد و به نظر می‌آید که او در نیل به هدف خود موفق شد؛ چنان‌که شاردن که پس از دوره شاه عباس از اصفهان دیدن کرد، در توصیف خود از میدان کهنه اصفهان، آنجا را مکانی مملو از کولیان و ژنده‌پوشان و خرابه‌های متعدد یافت و در توصیف آن چنین نوشت:

«این منطقه‌ای است که شهر کهنه نام دارد و هیچ‌گونه بنای عالی و اثر بسیار شایان توجه در آن وجود ندارد. خانه‌ها کوچک، پست، انباشته روی یکدیگر و مطلقاً فاقد باغاتی است که در مناطق دیگر شهر وجود دارد. کوچه‌ها تنگ و تاریک، هوا خفقان‌آور، مردم فقیر و نادار در پست‌ترین شرایط زندگی است و در حقیقت لایبرنتی است که نیاز به راهنمایان دارد» (۱۳۶۵: ۲۶۴).

علاوه بر انگیزه‌ای که توضیح آن آمد، قابل‌ذکر است که ساختن مسجد جامعی بزرگ در اصفهان، به‌جز مسجد جامع عتیق، از خواسته‌های سلطان محمد، پدر شاه عباس اول، بوده است و دور نیست که همین عامل، انگیزه مضاعفی برای مبادرت به ساخت مسجدی جدید در اصفهان پایتخت شاه عباس قلمداد شود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۶۶۴). این عوامل، موجب بی‌توجهی شاه عباس نسبت به مسجد جامع عتیق بودند. از شواهد مقوم این بی‌توجهی، کتیبه‌هایی بوده که در مسجد جامع عتیق از دوره صفویه یافت شده‌اند. در این کتیبه‌ها هیچ نامی از شاه عباس کبیر، به‌عنوان بانی، وجود ندارد و این در حالی است که از پادشاهان قبل از او چون؛ شاه اسماعیل و شاه طهماسب و از پادشاهان پس از او مانند؛ شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین، به‌عنوان بانیان تعمیرات و زیباسازی‌های بخش‌های مختلف مسجد نام برده شده است (گذار، ۱۳۷۲: ۷۹). سنت مرمت و احداث در مسجد جامع اصفهان، سنتی دیرپا و مسبوق به سابقه‌ای طولانی بوده است و حتی در دوره شاه عباس نیز

چهلستونی در منتهی‌الیه غربی مسجد افزوده می‌شود (هنرفر، ۱۳۸۶: ۱۳۰) و مرمت‌هایی در مسجد صورت می‌پذیرند؛ اما بانی هیچ‌یک از این اقدامات، شاه عباس نبوده است و این کار را افرادی چون محمد حکیم اصفهانی در این دوره انجام داده‌اند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۴۸). شاهد دیگر درباره بی‌توجهی شاه عباس به مسجد عتیق، تلاش او برای استفاده از مصالح این مسجد در ساخت مسجد جدید است که ذکر آن در ادامه می‌آید.

تلاش برای استفاده از مصالح مسجد جامع عتیق در ساخت مسجد شاه

از منابع چنین برمی‌آید که سنگ مرمر لازم برای ساختمان‌های مسجد شاه مطابق با سرعت ساختی که شاه عباس در نظر داشت، فراهم نبوده است؛ به همین خاطر، او قصد کرد از سنگ‌های مرمر مسجد جامع عتیق شهر استفاده کند «که البته به انهدام مسجد عتیق مزبور که بسی بزرگ‌تر و نیز بسی زیباتر از مسجد عباسی و یکی از مساجد زیبای مملکت شمرده می‌شود» (شاردن، ۱۳۶۵: ۱۲۵) منجر می‌شد. اما دو عامل عمده برای منصرف شدن وی از این کار برشمرده شده است؛ اول، وساطت ملایان و روحانیان اصفهان است. ایشان به نزد شاه عباس رفتند و با این استدلال که ممکن است این عمل، مجوز و سرمشقی برای اخلاف وی تلقی شود و دور نیست که مسجد شاه نیز در آینده برای آباد ساختن مسجدی دیگر به بلایی این چنین گرفتار آید، او را منصرف کردند (همان). همچنین، در کتاب "آثار ملی اصفهان" آمده که مقصود شاه عباس، تخریب مسجد جامع عتیق و استفاده از مصالح آن در مسجد شاه بوده است که علمای شهر به‌دلیل نادرست و غیرمجاز بودن این عمل، مانع او شده‌اند (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۶۶۴). عامل دومی که در منابع بیشتری از آن به‌منزله مهم‌ترین عامل نام برده‌اند، کشف معدن سنگ مرمر، مقارن با همین ایام، در حوالی اردستان است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۰۸). این کشف نه‌تنها عاملی برای منصرف شدن شاه عباس از تصمیم خود بود، بلکه در منابع مختلف نیز از آن به‌مثابه نشانه‌ای از صدق نیت و حسن اعتقاد شاه و بانیان مسجد تعبیر شد.

[...] دست قدرت ازلی است که تا غایت به‌جهت زیب و زینت این معبد شریف از نظر خلق پنهان بوده و از میامن بخت بلند و نیت ارجمند این خسرو فیروزمند در این عهد ظهور یافت؛ و از این معنی استدلال توان کرد که ظهور این آیتی است روشن و علامتی است واضح بر صدق نیت و حسن اعتقاد بانی و قدر و منزلت این بنا در درگاه مبدع جهان‌آرا که



۲۰۰۰). در کتاب "نصف جهان فی تعریف اصفهان"، از کتبی که برای تنظیم "مرآة البلدان" ناصری در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تهیه و تنظیم شده، عبارت «مسجد جامع» به صورت منفرد آمده که مراد، همان مسجد شاه است: «[...] و محاذی این دو دروازه در ورود میدان سنگی به فاصله ساخته و نصب است؛ چنان که این چهار میل محاذی یکدیگر واقع شده و جنبین در مسجد جامع نیز دو دروازه بازار هست قرینه درهای جنبین قیصریه که بازارهای آن اگر چه بپا است ولی مسکون نیست» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۷ و ۳۸). جامع خواندن مسجد شاه تا دوران معاصر نیز ادامه داشته؛ به نحوی که هنرفر (۱۳۸۶: ۱۲۴). نام آن را «مسجد جامع پادشاهی» نوشته است از این شواهد چنین برمی آید که مسجد شاه از ابتدا به قصد آنکه مسجد جامع باشد، تأسیس شده و در آن دوره و دوره‌های بعد نیز به این نام خوانده می‌شده است. اما تأمل در معنای «جامع» و تفاوت آن با مساجد دیگر، ما را به کارکردهای مختلف این دسته از مساجد رهنمون می‌شود.

مؤلفه‌های اصلی مساجد جامع

اولین مؤلفه مساجد جامع، برگزاری نماز جمعه در آنها است.^۵ از نظر لغوی، ترکیب واژه جامع با مسجد، به صورت وصفی «المسجد الجامع» در متون عربی آمده و مقصود، مسجدی بوده که مردم را برای ادای نماز، به ویژه نماز جمعه، گرد آورده است. همچنین، مسجد جامع را از آن روی مسجد جمعه خوانده که مسلمانان در این روز برای نماز جمعه در این مساجد اجتماع می‌کنند (بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۳).

مساجد جامع با مساجد اعظم یا کبیر در شهرها متفاوت بودند - اگر چه گاهی در منابع به جای یکدیگر به کار رفته‌اند (همان) - و علت نام‌گذاری این مساجد به «جامع»، به سبب برگزاری نماز جمعه در آنها بود و نه بزرگی و وسعت مساجد (مصدقی امینی، ۱۳۷۹: ۲۲۶-۲۲۲). از سوی دیگر، مساجد بزرگی در شهرها بودند که نماز جمعه در آنها اقامه نمی‌شد؛ «از این رو، گاه میان این دو نوع مسجد فرق گذاشته شده و فضیلت مساجد بزرگ در مرتبه بعد از فضیلت جوامع قرار گرفته است» (بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۳). پس با توجه به این تعاریف، مساجد جامع، مساجدی هستند که در آنها نماز جمعه اقامه می‌شود.

مؤلفه دوم، مسئله اعتکاف در مسجد جامع است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در فقه شیعه مطرح و محل اختلاف بسیاری از علما بوده، روشن ساختن مقصود از مسجد جامع به جهت اعتکاف است. این اختلاف، ناشی از روایت‌هایی بوده که از امام صادق و امام علی (علیهما السلام) در این باره نقل شده

چنین سنگ‌های یکپارچه طویل و عریض منقوش الوان را که در معموره جهان مثل آن نشان نتوان یافت، آرایش این ثانی بیت‌المعمور گردانید (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۲: ۸۳۱).

به این ترتیب، معلوم می‌شود که شاه عباس نه تنها به ساخت و مرمت مسجد جامع عتیق بی‌اعتنا بود، بلکه برای ساختن مسجد جامع نو خود، قصد استفاده از مصالح آن مسجد را داشت. شاه عباس، دستور احداث مسجد شاه را در سال ۱۰۲۱ ق. صادر کرد و ساختمان مسجد در سال ۱۰۴۰ ق.، به جز برخی قسمت‌ها، به انجام رسید (گدار، ۱۳۷۲: ۲۸۷ و ۲۹۰). مسجد نو لازم بود بر مسجد کهنه فائق آید و بدین منظور، باید کارکردهای آن مسجد را داشته باشد. یکی از اساسی‌ترین مشخصه‌های مسجد عتیق، «جامع» بودن آن است. شاه عباس بدین منظور، مسجد جدید خود را به عنوان «مسجد جامع» احداث کرد.

مسجد شاه به عنوان مسجد جامع شهر

متن کتیبه سردر اصلی مسجد شاه که به تاریخ ۱۰۲۵ ق. نوشته شده است، چنین آغاز می‌شود؛ امر ببناء هذا المسجد الجامع... در کتیبه دیگر سردر اصلی که پس از فوت شاه عباس اول نوشته شده، چنین آمده؛ «قد تمت بعون الله و حسن توفیقه عمارة المسجد الذی حری به ان یكون جامعاً لما صلیت صلوٰة الجمعة بشرایطها...» (هنرفر، ۱۳۵۰: ۴۲۹) که ادعای جامع بودن آن را تا حدی ملایم‌تر بیان کرده است و آن را مسجدی خوانده که شایستگی آن را دارد که مسجد جمعه باشد؛ چرا که نماز جمعه با تمام تشریفات خود در آن برگزار می‌شود (گدار، ۱۳۷۲: ۷۹ و ۲۹۵).

شاه عباس به وضوح این مسجد را «مسجد جامع» معین کرده بود و از منابع مربوط به دوره صفویه نیز چنین برمی آید که این بنا را با همین عنوان می‌خوانده‌اند. شاردن، نام آن را مسجد شاه یا مسجد جامع عباسی معرفی کرده است (۱۳۶۵: ۱۲۵). اسکندربیک آن را مسجد جامع عالی خوانده (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۲: ۱۱۱۰) و منجم یزدی در کتاب "تاریخ عباسی"، عبارات «مسجد جامع» و «مسجد جامع عباسی» را در وصف مسجد شاه به کار برده است (۱۳۶۶ ج ۲: ۴۱۲ و ۴۱۴). در "تذکره نصرآبادی" نیز ذیل معرفی علی اکبر اصفهانی، مسجد شاه به نام «مسجد جامع کبیر» آمده است (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۱۳۸).

در منابع پس از این دوره نیز نام این مسجد، با صفت جامع آمده است. در زمان سفر فلاندن به ایران، این مسجد را «مسجد جمعه» می‌نامیدند (گدار، ۱۳۷۲: ۲۹۵) و اعتمادالسلطنه در "مرآة البلدان" آن را با همین صفت یاد کرده است (۱۳۶۷ ج ۲:

است. امام علی (علیه السلام) اعتکاف را فقط در مسجد الحرام یا مسجد الرسول و یا مسجد جامع جایز می دانستند (شیخ کلینی، ۱۳۸۸: ۳۹۸) و امام صادق (علیه السلام) علاوه بر مساجد کوفه، بصره، مدینه و مکه، شرط درستی اعتکاف را جامع بودن مسجد و اقامه نماز جماعت امامی عادل در آن برشمرده اند (همان: ۳۹۷). فقها در این مسئله، دو گروه هستند؛ گروه اول، اعتکاف را فقط در مساجد یادشده درست دانسته و گروه دوم، اعتکاف را در مساجد دیگر نیز تجویز کرده اند. در میان گروه دوم، برخی فقط اعتکاف در مساجد جامع را صحیح دانسته و عده ای مساجد غیر جامع را نیز برای اعتکاف جایز تلقی کرده اند (جعفریان، ۱۳۷۹ ج ۳: ۱۱۶۱). این اختلاف آرا در زمان شاه عباس نیز وجود داشته است و گروهی از فقها، برگزاری اعتکاف را در جایی به جز مسجد جامع روا نمی دانستند. از این رو، پرداختن به این مؤلفه در شناخت بهتر وضعیت مسجد جامع عتیق و نسبت آن با مسجد شاه و انگیزه های شاه عباس در احداث این مسجد، لازم می نماید. افزون بر دو مؤلفه ای که ذکر آنها رفت، مساجد جمعه در دوره های تاریخی مختلف، کارکردهای دیگری نیز داشتند مانند؛ تاج گذاری پادشاه و سخنرانی او (نصیری و نصیری مقدم، ۱۳۷۳: ۲۱)، مکان اجتماع مردم و کانون پخش اخبار و اطلاعات (مصدقی امینی، ۱۳۷۹: ۲۲۳)، برگزاری نمازهای عید و جشن های مذهبی (شاردن، ۱۳۶۵: ۱۲۱ و ۱۲۲). با این حال، نمی توان اینها را شاخصه های اصلی مسجد جامع به حساب آورد، چرا که شواهد متعددی درباره برگزاری این گونه مراسم در مساجد و اماکن دیگر وجود دارند؛ برای مثال، نمازهای عیدین اغلب در مصلاها، که مکان هایی بدون سقف در حاشیه شهرها بودند، اقامه می شده (بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۳) و گاه مساجد اعظم در شهرها، کارکرد اجتماعی مؤثری داشته و محل تجمع مردم بودند (مصدقی امینی، ۱۳۷۹: ۲۲۶-۲۲۲). اینک، توضیح اولین مؤلفه مساجد جامع در ادامه می آید:

نماز جمعه

از دوره حکومت شاه اسماعیل اول صفوی (۹۳۰-۹۰۵ ق)، اقامه نماز جمعه به تدریج در جامعه شیعی ایران گسترش یافت. علت این امر از یک سو، انتقاد حکومت عثمانی از شیعیان به سبب برگزار نکردن نماز جمعه و از سوی دیگر، تلاش علمای شیعه، به ویژه محقق کرکی (ف ۹۴۰ ق)، برای اشاعه نماز جمعه در ایران بود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۷). با وجود همراهی بسیاری از فقها، از جمله شماری از علمای جبل عامل با محقق کرکی و پشتیبانی حکومت صفوی از آنان، از آنجایی که سنت

اقامه نماز جمعه در میان شیعیان رایج نبود و در میان علما مخالفان جدی داشت، رسمیت بخشیدن به آن در جامعه شیعی ایران به تدریج صورت گرفت. در مورد مشروع بودن برگزاری نماز جمعه در دوران غیبت امام زمان، میان علمای آن زمان اختلاف شدیدی وجود داشت. کسانی مانند؛ محقق کرکی، میرداماد و شیخ بهایی، قائل به وجوب تخییری نماز جمعه بودند و همین عامل، موجب فراهم شدن شرایط برای اقامه نماز جمعه به صورت رسمی بود (جعفریان، ۱۳۷۹ ج ۱: ۲۶۶ و ۲۶۸).

نکته حائز اهمیت آن است که در طول تاریخ، امامت جمعه همواره منصبی حکومتی بوده و امام جمعه، دست کم در مراکز حکومت، از طرف شاه انتخاب می شده است؛ در دوره صفویه نیز به همین ترتیب بود و شیخ الاسلام منصوب از جانب شاه، که عموماً خود امام جمعه پایتخت هم بود، امامان جمعه و شیخ الاسلام های شهرهای دیگر کشور را منصوب می کرد. شاهد آن، حکم شیخ بهایی درباره تغییر شیخ الاسلامی عالمی از یزد به مازندران (همان: ۲۵۶ و ۲۶۸) و یا حکم های محمد باقر مجلسی برای امامت جمعه شهرهای اطراف اصفهان است. از مهم ترین کسانی که خود رأی به حکومتی بودن منصب امامت جمعه داد، محقق کرکی است. او، نخستین فقیه برجسته عصر صفویه است که همکاری با این دولت را قبول کرد و به منصب شیخ الاسلامی نیز دست یافت (همان: ۲۹۴). به این ترتیب امامت جمعه اصفهان، در دوران پایتختی آن در دوره صفویه، بر عهده شیخ الاسلام بود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از جانب شاه منصوب می شد و این قاعده -تعیین امام جمعه از جانب پادشاه- رسمی بود که تا دوره قاجاریه نیز ادامه یافت (حبیب آبادی، ۱۳۶۲: ۳۱۷ و ۳۱۸). ظاهراً در باب حکومتی بودن این منصب، تناقضی میان قدرت فقیه و قدرت شاه به وجود می آید؛ چرا که از دیدگاه اغلب فقها تعیین امام جمعه، از نظر فقهی، ارتباطی با سلطان و حاکم ندارد و دخالت او نیز لازم نمی نماید.

اما این تناقض می توانست به این ترتیب حل شود که هر چند امام جمعه را شاه تعیین می کرد، اما طبعاً وی می بایست فقیه جامع الشرایطی را بدین سمت منصوب نماید، فقیه منصوب، که از نظر فقهی خود را نصب شده از ناحیه ائمه معصوم می دانست لزومی نمی دید از اقامه جمعه خودداری کرده حکم شاه و تعیین او را رد کند. بدین جهت، ساختن مسجد شاه اصفهان {در اصل: مسجد عباسی} به منظور اقامه جمعه و جماعت در آن، به همین دلیل بوده و امام جمعه و جماعت این مسجد رسماً از طرف شاه برگزیده می شد (جعفریان، ۱۳۷۲: ۲۹ و ۳۰).

صاحب روضات درباره علامه مجلسی بوده که گویای همین مطلب است؛^۶ «او [علامه محمد تقی مجلسی] نخستین کسی است که منصب امامت جمعه را در دو مسجد بزرگ، بعد از دو امام اقدم؛ سید داماد و شیخ بهایی، عهده‌دار شد» (خوانساری، ۱۳۹۰ ق: ۱۲۲). بنا بر شواهد، مراد از دو مسجد بزرگ به احتمال قوی، مسجد جامع عتیق و مسجد شاه است که علامه مجلسی در هر دو اقامه جمعه کرده و در زمان او، این نماز از جامع عتیق به جامع عباسی منتقل شده است. علاوه بر این شاهد، در ادامه شواهد دیگری آمده که مؤید برگزاری نماز جمعه در مسجد شاه و عدم اقامه آن در مسجد عتیق هستند.

مسجد شاه، مکان برگزاری نمازهای جمعه

اسکندر بیگ منشی در کتاب خود، "ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی"، در توصیف وقایع سال ۱۰۵۰ ق. - دوره سلطنت شاه صفی - در توضیح ورود قراخان بیک، ایلچی روم، به اصفهان می‌نویسد؛ دستور شاه این بود که «در یکی از جمعات که در مسجد جامع جدید شاهی جمعیت خلایق به جهت ادای جمعه و جماعات روی می‌نماید» (ترکمان، ۱۳۱۷: ۲۴۴) ایلچی را به مسجد برده و پس از ادای نماز، میهمان میرزا حبیب‌الله و دیگران باشد و لوازم میهمان‌نوازی را نسبت به او به نیکی به جای آورند (همان). دیگر شاهد، نوشته میرزا محمد یوسف، مؤلف "خلد برین"، است. او، از زمره مورخانی بوده که تاریخ خود را در ۱۰۷۸ ق. نوشته است. تاریخ‌نامه او، وقایع دوران شاه صفی و شاه عباس دوم را تا سال ۱۰۷۱ ق. در بر می‌گیرد. وی در بخشی از کتاب خود، به برگزاری نماز جمعه در مسجد شاه اشاره می‌کند که «شاه» در یکی از جمعات به مسجد جامع جدید عباسی تشریف حضور ارزانی داشته در نماز جمعه اقتدا به اعلم العلماء مولانا محمد حسن کاشی فرمودند» (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۶۵۹).

عبدالحی بن عبدالرزاق کاشانی در سال ۱۱۲۱ ق.، کتابی به نام "حدیقه‌الشیعه" نوشت. وی، هم از حکومت صفوی ناراضی بود و هم به وضعیت علما و مناصب دینی و ائمه جمعه و جماعات اعتراض داشت. او، از منتقدین نماز جمعه بود و وجوب آن را بدعت برمی‌شمرد؛ به همین دلیل، در قسمتی از کتاب خود به‌طور اخص به این موضوع پرداخت (جعفریان، ۱۳۷۹ ج ۳: ۱۰۷۵). فصل ششم کتاب، درباره نفی وجوب عینی نماز جمعه است. وی در این بحث، در برابر کسانی که در اثبات وجوب عینی نماز جمعه رساله نوشته‌اند، موضع گرفته و ضمن آن، انتقادهای زیادی نسبت به افرادی که به‌نوعی طرفدار اقامه نماز جمعه در این دوره بوده‌اند، وارد کرده است. سپس،

به این ترتیب، معلوم می‌شود که قصد شاه عباس از احداث مسجد شاه، برپایی مسجدی جامع بود که نماز جمعه در آن برگزار شود و امامان جمعه را نیز منصوب کند. اما پرسش اینجا است که از چه زمانی در دوره صفویه، نماز جمعه در جامع عتیق برگزار شده است و اصلاً آیا شاه عباس در عمل، موفق به انتقال نماز جمعه از جامع عتیق به مسجد شاه شد یا خیر؟ در این باب، علامه محمد تقی مجلسی (ف ۱۰۷۰ ق.)، که از فقهای موافق برگزاری نماز جمعه در دوره صفویه و نیز امام جمعه اصفهان بود، می‌نویسد:

[از برخی روایات] چنین ظاهر می‌شود که وجه ترک نماز جمعه همین بود که چون همیشه پادشاهان، سنی بودند و خود می‌کردند یا منصوب ایشان و شیعیان از روی تقیه نمی‌کردند یا با ایشان می‌کردند تا آن که حق سبحانه و تعالی به فضل عمیم خود پادشاهان صفویه را - انار الله تبارک و تعالی برهانم - مؤید گردانید به ترویج دین مبین حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین بعد از آن نماز جمعه را علانیه بجا آوردند و اول کسی که بجا آورد، شیخ نورالدین علی بن عبد العالی [محقق کرکی] بود. شنیدم از ابوالبرکات و از جد خودم که چون شیخ علی به اصفهان آمدند، در مسجد جامع عتیق نماز جمعه بجا آوردند [...] (۱۳۷۲: ۵۱۳).

با توجه به این فقره، معلوم می‌شود که نماز جمعه در زمان محقق کرکی، در مسجد جامع عتیق برگزار می‌شده است. با این حال، عنایت به سال‌های احداث مسجد شاه (۱۰۴۰ - ۱۰۲۱ ق.) و دوره‌های امامت جمعه امامان جمعه اصفهان از ابتدای دوره صفویه، امکان حدس زدن زمان احتمالی انتقال نماز جمعه از جامع عتیق به مسجد شاه را فراهم می‌سازد. اولین کسی که نماز جمعه را در اصفهان صفوی اقامه کرد، محقق کرکی (ف ۹۴۰ ق.) است. پس از او، شیخ حسین بن عبدالله و سپس مولانا عبدالله اقامه کردند. پس از ایشان، میرداماد (ف ۱۰۴۱ ق.) امام جمعه اصفهان بود و پس از او، شیخ بهایی (ف ۱۰۳۰ ق.) این منصب را در اختیار داشت. پس از شیخ بهایی، برای مدتی نماز جمعه را محقق سبزواری (ف ۱۰۹۰ ق.) و گاهی شیخ لطف‌الله (ف ۱۰۳۲ ق.) اقامه می‌کردند (جعفریان، ۱۳۷۹ ج ۳: ۱۰۶۱)، تا زمانی که علامه محمد تقی مجلسی (ف ۱۰۷۰ ق.) به امامت جمعه منصوب شد و پس از آن نیز به فرزند او علامه محمد باقر مجلسی (ف ۱۱۱۰ ق.) انتقال یافت (حبیب‌آبادی، ۱۳۶۲: ۳۱۸).

از این اطلاعات می‌توان نتیجه گرفت که در حدود سال ۱۰۴۰ ق.، که ساخت مسجد شاه رو به اتمام بوده، احتمالاً امام جمعه اصفهان، علامه محمد تقی مجلسی است و انتقال نماز نیز باید در دوره او صورت پذیرفته باشد. فقره‌ای در نوشته

خاطراتی را در ادامه آورده است که اطلاعاتی در باب مکان برگزاری نماز جمعه و کیفیت برگزاری آن می‌دهند (همان: ۱۰۸۰). نویسنده، ابتدا احوال سیدی را بیان می‌کند که در یکی از صفه‌های مسجد شاه، اقامه جماعت می‌کرده است. وی یک شب پس از شرب خمر، اعمال ناشایستی انجام می‌دهد و مغضوب مردم قرار می‌گیرد و از اصفهان خارج می‌شود. حکایت دیگر آن است که امام جمعه اصفهان، قصد رفتن به نجف را داشت. وقتی از اصفهان خارج شد، فرزند محقق خراسانی در مسجد حکیم داود اقامه جمعه می‌کرد و فردی مشهور به تقوا بود. در این وقت، چندین نامه به سلطان نوشت و از او خواست تا اجازه دهد نماز جمعه را در مسجد شاه اقامه کند، اما سلطان وقتی به درخواست او نگذاشت تا آن که از امرا و خواجهگان استمداد کرد؛ پس از آن شاه پذیرفت. مردم از این کار او در شگفت شده و گفتند: اگر او اقامه جمعه را واجب عینی می‌داند، چه فرقی بین این دو مسجد هست. این کار او جز ریاست‌طلبی و بزرگی نزد خواص و عوام معنایی نداشت (رضوی کاشانی، بی‌تا: ۱۰۰).

از این دو فقره چنین برمی‌آید که نه تنها محل برگزاری نماز جمعه در مسجد شاه بوده، بلکه اقامه کردن نماز جمعه در مسجد شاه، حاکی از نوعی بزرگی و علو درجه بوده است. توجه به این نکته لازم است که در دوره صفوی در هر شهر، فقط یک نماز جمعه برگزار می‌شده؛ اما امام جمعه، جانشین‌هایی داشته است که در صورت عدم حضور او، این اشخاص اقامه جمعه کنند که لزوماً اینها اجازه اقامه جمعه در مسجد اصلی شهر را نداشتند. در مورد یادشده نیز فرزند محقق خراسانی، اذن اقامه نماز جمعه در مسجد شاه را، در غیبت امام جمعه، طلب می‌کرده است. خود عبدالحی بن عبدالرزاق نیز در جایی دیگر بر این موضوع صحنه گذاشته و ذیل شکایت از اختلاف فقها بر سر نماز جمعه می‌نویسد:

شیخ مفید با این عقاید خود، طرفدار وضعیتی که امروز در اصفهان جریان دارد نبوده است، آن‌گونه که در مجموع شهر اصفهان، چهار یا پنج امام جمعه است که یک در داخل و دیگران در خارج نماز می‌خوانند و اگر بتوانند و قادر باشند، همان‌ها که در خارج شهر می‌خوانند، در داخل هم خواهند خواند (همان: ۵۶۴).

رویه اقامه نماز جمعه در مسجد شاه در دوره‌های پس از صفویه نیز وجود داشته است. اعتمادالسلطنه در کتاب "مرآة البلدان" (۱۳۶۷: ۹۸۸) در شرح حوادث سال دوم سلطنت ناصرالدین شاه در ۱۲۶۵ ق، از ورود محمد حسین خان به اصفهان خبر می‌دهد و آشوبی که روز جمعه میرزا سید محمد، امام جمعه اصفهان، را که برای اقامه نماز به مسجد

شاه آمده بود، برآشفت. همچنین او در توضیح مساجد جامع شهر اصفهان، مسجد شاه را چنین وصف می‌کند؛ «جامع دیگر که در آن نماز جمعه خوانده می‌شود، مسجدی است که معروف به مسجد شاه و در یک سمت میدان نقش جهان اصفهان که محاذی با سردر قیصریه و ملاصق چارسو مقصود است، واقع است» (همان: ۲۰۰۰).

لازم به ذکر است که وجود هم‌زمان چند مسجد موسوم به مسجد جامع در دوران مختلف تاریخ اصفهان، رایج بوده است و جامع نامیدن مساجد دیگر، منافاتی با انحصار اقامه نماز جمعه در یک مسجد ندارد؛ برای مثال، می‌توان به نام مسجد جامع صغیر، مسجد جورجیر به‌همراه مسجد جامع عتیق در دوره آل بویه اشاره کرد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۴۰). در دوره قاجاریه، تعداد مساجد جامع واقع در شهر اصفهان به بیش از ده مسجد رسید که پنج مسجد اصلی عبارت هستند از؛ مسجد جامع عتیق، مسجد جامع عباسی، مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد حکیم و مسجد سید در بیدآباد اصفهان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۰۰۰).

نتیجه آن که از ابتدای دوره صفویه تا قبل از شروع ساخت مسجد شاه اصفهان در سال ۱۰۲۱ ق، نمازهای جمعه در مسجد جامع عتیق اقامه می‌شده‌اند؛ اما از زمانی که بنای مسجد به انجام رسیده است به بعد، مسجد شاه به‌عنوان مسجد جامع شناخته شده و نماز جمعه نیز از جامع عتیق به این مسجد منتقل شده است.^۸ پس از این دوره، مسجد شاه، مسجد اصلی و باشکوه اصفهان تلقی می‌شده است و مسجد جامع عتیق در سایه این مسجد قرار می‌گیرد. چنان‌که شاردن در معرفی جامع عتیق^۹ چنین می‌نویسد؛ «مسجد باستانی که پیش از بنای مسجد شاه به‌دست شاه عباس کبیر، مسجد بزرگ و معظم شهر بوده در همین جا است که به نام جامع عتیق نامیده می‌شود» (۱۳۶۵: ۲۸۰).

اعتکاف

همان‌گونه که پیش‌تر آمد، از جمله مؤلفه‌های تفاوت میان مساجد جامع و دیگر مساجد، جواز برگزاری اعتکاف در آنها است. در مورد مسئله فقهی اعتکاف نیز مناقشاتی میان فقهای دوره صفویه وجود داشته که از شاخص‌ترین آنها، فتوای شیخ لطف‌الله (ف ۱۰۳۳ ق.) و مخالفین وی در دوره صفویه و سلطنت شاه عباس اول هستند. شیخ لطف‌الله خود را از بنیان راه‌اندازی مجدد اعتکاف در ایران می‌داند و کتابی تحت عنوان "رساله اعتکافیه" نوشته که مسائل فقهی مربوط به اعتکاف را در آن آورده است.

شیخ لطف‌الله بر این باور بود که اعتکاف در تمامی مساجد

است کجا است تا وی را تبرک کرده، خدمتگزار او باشیم» (جعفریان، ۱۳۷۹ ج ۱: ۲۶۶).

شیخ با اشاره به بنای مسجد توسط شاه می‌گوید؛ زمانی که شاه تصمیم گرفت این مسجد را بنا کند، به من گفت: بر آنم تا برای شما مسجد جامعی در برابر خانه و دیدگان خودم بسازم که هزار تا دو هزار نفر را در خود جای دهد و ترکان و بندگان و دیگران [برای نماز] در آن نزد تو گرد آیند. بعدها مرتب از وضع مسجد می‌پرسید و آن را مسجد جامع می‌نامید. گفتنی است که اطلاعات ارائه شده توسط شیخ لطف‌الله، برای آن است تا "جامع" بودن مسجد مورد نظر را اثبات کند تا اعتکاف در آن روا باشد (همان).

هر چند مجادله شیخ لطف‌الله و مخالفان او بر سر مسجد شیخ لطف‌الله بوده، اما حاوی نکاتی چند در باب مسجد جامع عتیق است؛ ابتدا، رأی فقهی عالمان دوره صفویه که عمدتاً موافق با دولت صفوی بوده و اعتکاف را در هر مسجد جامعی جایز می‌دانستند. از جمله این علما می‌توان به محقق کرکی و فرزندان او، شهید ثانی و نوادگان او، شیخ بهایی، ملا عبدالله شوشتری و میرزا محمد استرآبادی اشاره کرد. به این ترتیب، جواز اعتکاف در هر مسجد جامعی اعم از جدید و قدیم صادر شد و لزوم برگزاری اعتکاف در مسجد جامع قدیمی شهر منتفی شده بود (همان: ۱۱۶۲ و ۱۱۶۳). عامل دوم اینکه، برخی از بانفوذترین این فقها در زمان شاه عباس، مساجد ساخته شده شاه را مسجد جامع به حساب آورده و خود نیز مبادرت به برگزاری اعتکاف در آن می‌کردند. به این ترتیب، اگر چه نمی‌توان ثابت کرد که اعتکاف، در این دوره، در مسجد جامع عتیق برگزار نمی‌شده، اما پیدا است که با فرض برگزاری اعتکاف نیز این مراسم، منحصر به جامع عتیق نبوده و در مساجد جامع دیگر نیز برگزار می‌شده است.

جامع و حتی غیرجامع جایز است. او، دایره اعتکاف را از مساجد جامع به مساجدی که جماعت در آنها برگزار می‌شود، توسعه داد و با استناد به برخی از روایات، اقامه نماز جماعت را در یک مسجد برای اعتکاف، کافی دانست. البته تأکید داشت که مسجد باید مسجد بزرگی باشد؛ نه در حد مساجد محلی یا مسجد بازار و مشابه آن (جعفریان، ۱۳۷۹ ج ۳: ۱۱۶۳-۱۱۶۰). همچنین، نام چند تن از علما را ذکر کرد و رأی آنها را چنین دانست که در هر مسجد جامعی اعتکاف جایز است؛ از جمله آنان، شیخ بهایی است. شیخ بهایی، اعتکاف را توقف با قصد قربت روزهدار برای مدت سه روز یا بیشتر تعریف می‌کند که لزوماً باید در مسجد جامع برگزار شود (بی تا: ۱۲۶).

در مقابل، کسانی نیز با او مخالف بوده و اشکالاتی عمده بر وی وارد کردند؛ یکی از اشکالات این است که چرا اعتکاف را در مسجد شیخ لطف‌الله که به تازگی ساخته شده، برگزار کرده است.^{۱۰} مخالفان، او را متهم به اعمال خلاف شرع کرده و موضع و روش شیخ را در برپایی اعتکاف، مصداق این خلاف شرع می‌دانستند.^{۱۱}

مخالفان، مسجد شیخ لطف‌الله را نه مسجد جامع می‌دانستند و نه حتی مسجد اعظم. شیخ، آنها را در این باره که «جدید» بودن مسجد را مطرح کردند، ملامت می‌کند و معتقد است ارتباطی میان جدید یا قدیمی بودن مسجد و جامعیت آن وجود ندارد. به علاوه، مسجد جامع و یا اعظم در شهر ممکن است متعدد باشد. او، شهرت یک مسجد را به مسجد جامع، مانع از جامع بودن مساجد دیگر نمی‌داند. از اینجا، شیخ ادعا می‌کند که مسجد او اکنون در عراق و خراسان، شهره آفاق شده است و همه آن را به مسجد جامع شناخته و کسانی که از اطراف و اکناف برای ملاقات او به شهر می‌آیند «می‌پرسند: این شیخی که شاه، مسجد جامع جدیدی برای وی بنا کرده

نتیجه‌گیری

این مقاله، در پی یافتن انگیزه‌های شاه عباس برای احداث مسجد جامع عباسی و تأثیرات این اقدام بر حیات سیاسی و اجتماعی مسجد جامع عتیق اصفهان بود. در ابتدا، سخن از نیت‌ها و انگیزه‌های شاه عباس رفت. او قصد داشت میدان کهنه را به مرکز حیاتی شهر جدید خود تبدیل سازد که با مخالفت مالکان قدرتمند مستغلات بازار کهنه مواجه شد. سپس، تصمیم به احداث مرکزی نو به نام میدان نقش جهان گرفت. او با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت خویش، بنای طرحی جامع را نهاد که به صورت منظومه‌ای یکپارچه باید عمل می‌کرد تا به موفقیت نائل آید. یکی از مؤلفه‌های مهم او برای بنیان نهادن اصفهانی جدید، نیاز به مسجد جامعی نو بود. در این بین، مانعی چون

مسجد جامع عتیق بود که سابقه‌ای چند صد ساله داشت و مورد توجه پادشاهان قبلی بود؛ و البته در فرهنگ‌ها و عادات و رسوم اهالی اصفهان نیز ریشه دوانیده بود.

با بررسی متون فقهی مشخص شد که دو عامل اساسی، وجه ممیزه مساجد جامع با دیگر مساجد هستند؛ نماز جمعه و اعتکاف. مطابق آنچه در این مقاله آمد، شاه عباس هم خود را مصروف از رونق انداختن میدان و مسجد عتیق کرد و در این راستا، حمایت علما و فقهای مطرحی چون؛ محقق کرکی، شیخ بهایی و شیخ لطف‌الله را به همراه داشت. وی در اولین اقدام، مسجد شیخ لطف‌الله را به نام جامع شیخ لطف‌الله بنا نهاد و اعتکاف را در آن دایر کرد. سپس، مسجد شاه را ساخت و اقامه نماز جمعه را به این مسجد منتقل کرد. اخلاف وی نیز همین راه را پیش گرفته، بر تعداد مساجد جامع شهر افزوده و مسجد جامع عتیق را بیش از پیش از لحاظ اجتماعی منفعل ساختند. مسجد جامع عتیق لااقل از زمان شاه صفی تا زمان ناصرالدین شاه قاجار، محل برگزاری نماز جمعه نبوده و عمده مراسم‌های دینی و سیاسی و اجتماعی نیز در این دوران، در مسجد شاه برگزار می‌شده‌اند.

پی‌نوشت

۱. اشاره‌ای به بیت «قرار در کف شاه زمانه فتحعلی/ گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی» که بر روی کتیبه‌ای در مدخل ورودی صحن مدرسه سلیمانیه مسجد شاه اصفهان نوشته شده است و اشاره به بخشودگی وجوه آرد توسط فتحعلیشاه قاجار دارد (هنر فر، ۱۳۵۰: ۴۵۸).
۲. این مسجد با نام‌هایی چون جامع عتیق، مسجد جامع کهنه، مسجد عتیق و ... در منابع آمده است.
۳. نام‌های دیگر این مسجد شامل؛ جامع عباسی، مسجد جامع نو، مسجد جامع شاه عباسی و مسجد امام (حضرت مهدی «عج») است.
۴. البته گذار معتقد است هنوز بخش‌های کوچکی از بنا در حال تکمیل بوده و ساختمان در سال ۱۰۴۷ ق. به‌صورت کامل تکمیل شده است. عملیات نصب سنگ‌های مرمر معدن اردستان، که سخن آن آمد، نیز در همین سال انجام شده است (۱۳۷۲: ۲۹۲).
۵. مصدقی امینی علاوه بر نماز جمعه و اعتکاف، دو مؤلفه منبر و مناره را نیز از شاخصه‌های مساجد جامع می‌داند (۱۳۷۹: ۲۲۶-۲۲۲). این دو مؤلفه در هر دو مسجد جامع عتیق و مسجد شاه وجود داشته و از مؤلفه‌های صوری مساجد جامع هستند. به‌جهت این اشتراک و از آن‌رو که کاوش مقاله در حوزه صورت بناها نیست، از پرداختن به این دو مؤلفه صرف نظر کرده‌ایم.
۶. واجب تخییری، در مقابل واجب تعیینی، عبارت است از اینکه مکلف لازم است برای ادای تکلیف خود، یکی از چند کار را انجام دهد؛ مانند برخی از کفاره‌ها (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۹: ۸۸۱). در این مقاله، منظور آن است که کسانی مانند شیخ بهایی و میرداماد قائل بودند که شخص در روز جمعه مخیر است نماز ظهر اقامه کند یا نماز جمعه بگذارد. این فتوا، در برابر فتوای بسیاری از علمای شیعه قرار داشت که اقامه نماز جمعه را در غیاب امام زمان (عج) جایز نمی‌دانستند.
۷. متن اصلی بدین شرح است؛ «ثم لیعلم ان هذا المولی النبیل الجلیل [علامه محمد تقی مجلسی] هو اول من فوضت الیه امامة الجمعة بمسجدیه الاعظمین بعد امامیهما الاقدمین: السید الداماد و شیخنا البهائی العاملی [...]» (خوانساری، ۱۳۹۰ ق: ۱۲۲).
۸. حبیب‌آبادی پس از ذکر نام امامان جمعه اصفهان از دوره صفویه تا زمان خود، ادعا می‌کند که همواره در اصفهان نماز جمعه در مسجد جامع عتیق شهر برگزار می‌شده است (۱۳۶۲: ۳۱۸). این ادعا بدون ارجاع طرح شده و مثال‌های نقض بسیاری دارد که شاهد برخی از آنها در متن مقاله آمده است. رفیعی مهرآبادی نیز این ادعای نادرست را قدری متعادل‌تر طرح کرده و احتمالاً استناد او به حبیب‌آبادی، در همین کتاب است (۱۳۵۲: ۵۲۹).
۹. در باب لفظ "عتیق" و زمان اطلاق آن به مسجد جامع اصفهان نیز می‌توان حدس‌هایی مطرح کرد. مسجد جامع عباسی در بسیاری از منابع، با عنوان مسجد جامع نو یا جدید (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۱: ۲۴۴) آمده و عمدتاً گویای تمایز این مسجد با مسجد جامع قبلی اصفهان، جامع عتیق، است. به این سبب، می‌توان حدس زد که لفظ "عتیق" احتمالاً از دوره شاه عباس بر نام مسجد جامع اصفهان افزوده شده است و پس از آن تا به امروز نیز به کار می‌رود. جست و جوی آنکه اولین بار این لفظ چه زمانی و توسط چه شخصی به مسجد جامع عتیق اطلاق شده و اینکه آیا انگیزه و اراده‌ای برای تخفیف شأن مسجد در پس این نام‌گذاری نهفته بوده یا خیر، پرسشی است که از دایره این مقاله خارج است و مجال دیگری طلب می‌کند.
۱۰. می‌دانیم مسجد شیخ لطف‌الله قبل از مسجد شاه ساخته شده و بدین سبب، مناقشه شیخ لطف‌الله با مخالفان او، بر سر مسجد شیخ لطف‌الله است. شیخ، اعتکاف را در این مسجد برگزار می‌کرده است (۱۰۱۱ تا ۱۰۲۸ ق.) (جعفریان، ۳۷۹: ۲۶۶).
۱۱. سه اشکال دیگر نیز عبارت هستند از؛ قبه داشتن مسجد، برگزاری اعتکاف در ده روز پایانی ماه رمضان، مراسم احیا در شب‌های اعتکاف (همان: ۱۱۶۱).

منابع و مآخذ

- اسماعیلی، محبوبه؛ احمدی، زهت و صفت گل، منصور (۱۳۹۲). بررسی کارکردهای مختلف مساجد در عصر صفویه. پژوهش‌نامه تاریخ تمدن/اسلامی، سال چهل و ششم (۷)، ۱۷۲-۱۴۵.
- اصفهانی، محمدرضا (۱۳۶۸). نصف جهان فی تعریف اصفهان. تصحیح منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۷). مرآة البلدان. به کوشش هاشم محدث و عبدالحسین نوایی، چاپ اول، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۹۳). جامع، مسجد. دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر احمد طاهری عراقی، مصطفی میرسلیم و نصرالله پورجوادی. جلد ۹. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی. ۴۳۶۵-۴۳۵۴.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۰). سبک‌شناسی معماری ایرانی. چاپ دوم، تهران: سروش دانش.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۱۷). ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی. تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ اول، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- _____ (۱۳۵۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی. چاپ اول، جلد‌های ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۲). نماز جمعه، زمینه‌های تاریخی و آگاهی‌های کتاب‌شناسی. چاپ اول، تهران: شورای سیاست‌گذاری امور ائمه جمعه سراسر کشور.
- _____ (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست. چاپ اول جلد‌های ۱ و ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ (۱۳۸۱). دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه از روزگار صفوی. چاپ اول، قم: انصاریان.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه اصول فقه. چاپ اول، جلد ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جنابادی، میرزا بیگ بن حسن (۱۳۷۸). روضة‌الصفویه. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حبیب‌آبادی، محمد علی (۱۳۶۲). مکارم‌الآثار در احوال رجال دوره قاجار: مشتمل بر تراجم و شرح احوال رجال علمی زمان قاجاریه از علما و حکما. چاپ اول، اصفهان: کمال.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۸). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- خوانساری، محمد باقر بن زین‌العابدین (۱۳۹۰ ق.). روضات‌الجنات فی احوال العلماء و السادات. محقق اسدالله اسماعیلیان، چاپ اول، جلد ۲، قم: دهقانی (اسماعیلیان).
- دی مک چسنی، رابرت (۱۳۸۵). چهار منبع درباره ساخته‌های شاه عباس در اصفهان. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. گلستان هنر، ۲ (۶)، ۷۶-۴۶.
- راز نهن، محمدحسن؛ رجبی، اصغر و تفریشتی، سید حسین (۱۳۹۳). نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهب شیعه در ساختار شهری ایران در دوره صفوی. تاریخ نو، سال چهارم (۹)، ۱۸-۳.
- رضوی کاشانی، عبدالحی بن عبدالرزاق (بی‌تا). حدیقة‌الشیعه. نسخه خطی. بی‌نا. کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۲). روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران. چاپ اول، تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۹۵). موقعیت مساجد جامع و ارتباط آنها با سایر فضاهای مهم در شهرهای تاریخی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۸ (۲)، ۳۷۶-۳۶۳.
- شاردن، ژان (۱۳۶۵). سیاحت‌نامه شاردن. ترجمه محمد عباسی، چاپ اول، جلد ۷، تهران: امیرکبیر.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (بی‌تا). جامع عباسی، یک‌دوره فقه فارسی (طبع قدیم). چاپ اول، تهران: فراهانی.
- شیخ کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). متن و ترجمه کتاب نفیس فروع کافی. ترجمه گروه مترجمان، چاپ سوم، قم: قدس.



- گذار، آندره (۱۳۷۲). آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقدم، چاپ دوم، جلد ۴، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- گلمبک، لیذا (۱۳۸۶). مسجد جامع هرات. ترجمه اردشیر اشراقی. گلستان هنر، ۲ (۸)، ۱۰۷-۹۹.
- مجلسی، محمد تقی (۱۳۷۲). لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه. چاپ اول، جلد ۴، قم: اسماعیلیان.
- مصدقی امینی، فرشید (۱۳۷۹). تأملی در مفهوم مسجد و معنای جامع: ویژگی‌ها، نقش‌ها و کارکردها. پژوهش‌نامه: مجموعه مقالات پژوهشی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران. تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
- منجم یزدی، ملا جلال‌الدین محمد (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، چاپ اول، تهران: وحید.
- مهرگان، حسین و محمدی بیدسردره، ایمان (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مسجد شاه اصفهان و مسجد وکیل شیراز. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶ (۲۲)، ۸۶-۷۹.
- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۶۱). تذکره نصرآبادی، مشتمل بر شرح حال و آثار قریب هزار شاه عصر صفوی. تصحیح و مقابله وحید دستگردی، چاپ اول، بی‌جا: کتاب‌فروشی فروغی.
- نصیری، محمد ابراهیم و نصیری مقدم، محمد نادر (۱۳۷۳). دستور شهریاران (سال‌های ۱۱۰۵ تا ۱۱۱۰ ه.ق. پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی). چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۸۲). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (۱۰۷۱-۱۰۳۸ ه.ق.). تصحیح محمدرضا نصیری، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان. چاپ دوم، تهران: بی‌نا.
- _____ (۱۳۸۶). اصفهان. چاپ دوم، تهران: علمی فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Received: 2018/01/16

Accepted: 2019/01/23

The Royal Seal and the Eternal Power: The quality of Shah Abbas 'Influence upon the Social and Political Status of the Old JĀME Mosque of Isfahan'

Ehsan Kakhani* Fatemeh Goldar**

Abstract

5

Abbas I, like many other Iranian kings, devoted special attention to the Jame Mosques. Following Isfahan's election as his capital, he was trying to renovate the Bazaar and the old mosque, which was faced by the opposition of landowners at the time. Then he decided to build the Naghsh-e Jahan square and set up the Jame Abbasi as a new Jame Mosque in the city. In this paper, the two main components of the Jame mosques have been investigated, Friday prayers and e'tekāf, and its aim is to recognize the status of Atigh Jame Mosque, socially and politically, after establishing Shah Mosque. The method of this paper is historical-interpretative and uses the primary and secondary sources to achieve the result. Friday prayers were revived with the help of prominent Shiite jurists in the Safavid period and the first prayer was held in Atigh Jame Mosque. Abbas I, after completing Shah Mosque, delivered Friday prayers to this mosque, and the mosque was also the main venue for Friday prayers in the next periods. In the same period, the discussion of withdrawal of e'tekāf also caused many quarrels among the jurists. The contemporary jurists of Shah Abbas issued fatwas, about e'tekāf, that let it held in other mosques like Shaikh Lotfollah Mosque. For this reason, it was not confined to Atigh Jame Mosque. Shah Abbas set up an economic stimulus, Naghsh-e Jahan Square and Shah Mosque, and tried to boost this new focus in Isfahan to counter the rivals, the Old Square and Atigh Jame Mosque. The result was that Atigh Jame Mosque was overshadowed by Shah Mosque, and specific religious, political and social activities of Jameh Mosque, such as Friday prayers and e'tekāf, were comprehensively conveyed to Jame Abbasi Mosque.

Keywords: Atigh Jame Mosque of Isfahan, Shah Mosque of Isfahan, Friday Prayers, E'tekāf, Abbas I

* PhD Candidate, Architecture and Urban Planning Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ekakhani@gmail.com

** Associate Professor, Architecture and Urban Planning Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Fa.goldar@gmail.com